

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: المیادین – انگلیسی

نویسنده: دیوید میلر

برگردان: م. قربانی

۱۲ اکتوبر ۲۰۲۴

یک سال پس از طوفان الاقصی



صهیونیسم اکنون بیش از هر زمان دیگری مورد تحقیر قرار گرفته است. پس از یک سال نسل‌کشی، صهیونیسم با شکستی مواجه می‌شود که ممکن نبود پایانش را به این سرعت به جلو اندازد (المیادین انگلیسی؛ تصویر از بتول شاماس)

پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، و آغاز طوفان الاقصی به دست نیروهای مقاومت فلسطین، اوضاع بسیار متفاوت به نظر می‌رسید. پس از یک سال پیگیری ادعای هدف خود، یعنی شکست حماس، آیا دولت استعماری چیزی برای خودنمایی دارد؟

نخست این‌که اقتصاد در بحران است.

صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی اسرائیل را ۵۶۴ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی سرانه آن را ۵۸.۲۷۰ دلار در سال ۲۰۲۳ تخمین زد (جایگاه سیزدهم در جهان) که با سایر کشورهای بسیار توسعه یافته قابل مقایسه است.

اما در سه ماهه آخر سال ۲۰۲۳، طبق ارقام اداره مرکزی آمار خود رژیم، تولید ناخالص داخلی سالانه ۱۹.۴ درصد کاهش یافت.

برای مثال، بخش ساخت‌وساز در دو ماه اول جنگ حدود یک‌سوم کاهش یافت. و کشاورزی نیز با کاهش یک‌چهارم تولید در برخی بخش‌ها آسیب دید.

روزنامه ال پانیس شرح وضعیت در نزدیکی غزه را چنین توصیف می‌کند:

«هزاران کارگر خارجی (عمدتاً تایلندی، و نیز نپالی و تانزانایی) پس از قتل و ربوده شدن ده‌ها نفر از هموطنان خود به کشورهایشان باز گشتند. کارگران روزمزد فلسطینی – دیگر نیروی کار عمده – شاهد لغو مجوز ورود آن‌ها (مقیم غزه) یا توقف (اجازه اهالی کرانه باختری) بودند. علاوه بر این، بسیاری از اسرائیلی‌هایی که در بخش کشاورزی کار می‌کردند، به سایر نقاط کشور تخلیه شدند یا به عنوان نیروهای ذخیره (ارتش) فراخوانده شدند.»

تخمین زده می‌شود که تا ۶۰.۰۰۰ شرکت اسرائیلی ممکن است در سال ۲۰۲۴ به دلیل کمبود کارکنان، اختلال در زنجیره تأمین و کاهش اعتماد تجاری، مجبور به تعطیلی شوند.

بندر ایلات در جنوب رژیم اشغالگر صهیونیستی در ماه جولای به دلیل کاهش ۸۵ درصدی فعالیت، در نتیجه محاصره انصارالله در کشتیرانی در بحیره سرخ، اعلام ورشکستگی کرد. اگر جبهه شمال به طور کامل با حزب‌الله فعال شود، همه بنادر «اسرائیل» به ویژه حیفا از فعالیت خواهند افتاد. تنها استثناء **بندر اشدود** در مرکز مستعمره است که به راحتی با راکت‌های لبنان، عراق، یمن، و البته ایران قابل دسترسی است. عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با همسایگانش وارد روند معکوس شده است. در ماه دسمبر گفته می‌شد که عادی‌سازی اکنون در وضعیت «بازآرایی» قرار دارد و در سپتامبر امسال حتی حاکم عربستان سعودی اعلام کرد که پادشاهی تا زمانی که کشور فلسطین ایجاد نشود، با «اسرائیل» روابط برقرار نخواهد کرد.

معامله‌ای که چین بین عربستان سعودی و ایران به امضاء رساند، رژیم سعودی را نیز از یمن خارج کرد و به انصارالله اجازه داد محاصره موفقیت‌آمیز و خیره‌کننده خود را در بحیره سرخ آغاز کند.

شاید مهم‌تر از همه، چهره رژیم و ارتش آن به عنوان ستراتیژیست‌های نظامی پیچیده، که با اقدام طوفان الاقصی، و با این واقعیت آشکار که پس از یک سال، مقاومت فلسطین در غزه شکست نخورد، کاملاً تضعیف شده است. در ۱۹ جون، سخنگوی نیروهای اشغالگر اسرائیل، دریاسالار دانیل هاگاری، به کانال خبری ۱۳ گفت که هدف از بین بردن رهبری غزه دست نیافتنی است.

این ایده از بین بردن حماس، ناپدید کردن حماس – خاک پاشیدن به چشمان مردم است... هر کسی که فکر می‌کند ما می‌توانیم حماس را از بین ببریم، سخت در اشتباه است.

در واقع صهیونیسم در هر زمینه‌ای با شکست مواجه شده است، این حتی در مطبوعات در مستعمره شهرک‌نشینان هم بیان شده است.

مشهودترین و ملموس‌ترین تغییر در غرب، فرسایش حمایت از رژیم رو به زوال است.

توده مردم جهان بیش‌تر طرفدار فلسطین شده اند و صدایشان را رساتر کرده اند. اما یک جریان کوچک صهیونیستی متقابل، وجود دارد که در تمجید از کشتار زنان و کودکان و حمله خشونت‌آمیز به معترضان حامی فلسطین در سراسر جهان، از استرالیا تا امریکا، بیش از پیش به افراطی‌تر شدن گرایش دارد.

در اسرائیلی که به طور فزاینده‌ای دست به نسل‌کشی زده است، تنها ۱۹ درصد حاضرند بگویند نسل‌کشی صهیونیست‌ها «از حد گذشته است.»

در غزه و کرانه باختری حمایت از حماس افزایش یافته است، در حالی که تشکیلات خودگردان فلسطین حتی بیش از پیش محبوبیت خود را از دست داده است.

افکار عمومی در ایالات متحده و بریتانیا و جهان به سمت فلسطینی‌ها تغییر کرده است. این تغییر را به شکلی که اعتبار استدلال کلیدی صهیونیست‌ها از بین رفته است، مشاهده کنیم: به اصطلاح **حق دفاع از خود** «اسرائیل» به ویژه از سوی چهره‌هایی مانند گزارشگر سازمان ملل متحد، فرانسیسکا آلبانیز، بشدت کاهش یافته است. این ایده که «اسرائیل» حق وجودی دارد یا این‌که باید وجود داشته باشد نیز مورد حمله قرار می‌گیرد. یک نظرسنجی در بریتانیا اخیراً نشان داد که ۵۴٪ از جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله با این جمله موافق بودند که «کشور اسرائیل نباید وجود داشته باشد». تنها ۲۱٪ مخالف بودند.

جالب توجه است که قدرت سلاح اصلی منتخب صهیونیست‌ها در حال از بین رفتن است. اتهام «یهودی‌ستیزی» اثر کمتری دارد و اکنون آشکارا مورد تمسخر قرار می‌گیرد.

روشن است که صهیونیست‌ها در تلاش برای به حداقل رساندن اثرات نسل‌کشی و نیز تلاش برای کاهش ارقام رسمی فلسطینی‌ها در مورد مرگ و جراحات هستند. همچنین نیروهای اشغالگر طبق معمول در شمار تلفات خود کوچک‌نمایی می‌کنند.

یکی از نکات کلیدی که اکنون را از گذشته متفاوت می‌کند، این است که اعتبار رژیم به شدت آسیب دیده است، زیرا سراسر جهان متوجه شده اند که هاسبرا، یعنی تبلیغات رژیم، نادرست است. «اسرائیل» به عنوان جامعه‌ای بشدت بیمار و در واقع بیمار لاعلاج آشکار شده است. صهیونیسم سراسر جهان را لکه‌دار کرده است.

«نوزادان سربریده، ۱۲۰۰ نفر تلفات غیرنظامی، تجاوزهای جنسی» – همه آن‌ها بی‌اساس و ساختگی بودند. اما، بدتر از آن، آن‌ها تنها بخش کوچکی از وحشیگری بودند که در شادی و شغف نیروهای اشغالگر صورت گرفت.

برای بسیاری شگفت‌انگیز بوده است که می‌بینند مشوقین آن‌ها در میان جماعت صهیونیست امریکا و بریتانیا به آن می‌پیوندند. صهیونیسم اکنون بیش از هر زمان دیگری مورد تحقیر قرار گرفته است. پس از یک سال نسل‌کشی، صهیونیسم با شکستی مواجه می‌شود که ممکن نبود پایانش را به این سرعت به جلو اندازد.